

مستندات فقهی ضرورت تعامل مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب

زهره جباری^۱، احمد شفیعی نیا^۲

^۱دانشجوی دکتری قرآن و متون، علوم حدیث، قرآن و حدیث، تهران
^۲استاد پژوهشگاه مطالعاتی تقریب، مجمع جهانی تقریب مذاهب، قم، ایران

نویسنده مسئول: ahmadshafiai@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۷

چکیده

نوشتار حاضر در پی پاسخ به این سوال است که مستندات فقهی که برای تعامل بین پیروان مذاهب به کار می‌رود کدام می‌باشند؟ استفاده از ادله فقهی برای اثبات ضرورت مباحثی همچون تعامل در بین مذاهب مختلف، حاوی تلاش برای بارورسازی لایه‌هایی متروک مانده از منابع فقهی می‌باشد؛ بررسی ادله فقهی تعامل مسالمت‌آمیز، برخوردار از ماحصلی است که نه تنها اهمیتی کمتر از نتایج حرکت صرفاً اصلاحی اجتماعی ندارد بلکه روندهای منتهی به شکل یافتگی وحدت اجتماعی را معنی مؤثرتر و جدیدتر می‌بخشد. نتایج بدست آمده در این مقال مشتمل بر چهار محور: دلیل عقلی، دلیل قرآنی و روایی و سیره ائمه؛ اصحاب و امامان مذاهب اهل سنت نشان می‌دهد، که قواعد فقهی «تقدیم اهم بر مهم»، «وجوب دفع ضرر محتمل» و «حفظ حرمت مسلمانان»، «وجوب مودت میان مسلمانان» به عنوان مستند عقلی و نقلی، در حفظ وحدت، و دوری از تفرقه می‌باشد. و همچنین ادله‌های دیگر فقهی از جمله قرآن و سیره معصومین؛ و اصحاب، تعامل مذاهب مختلف با یکدیگر را به عنوان یک ضرورت انکارناپذیر به اثبات می‌رساند.

کلیدواژه: تعامل، فقه مقارن، پیروان مذاهب اسلامی، تعامل فقهی

مقدمه

تعامل بین مذاهب اسلامی در جامعه اسلامی، نقش اساسی در قدرت‌یابی مسلمانان دارد به طور کلی دین اسلام به همبستگی و همدلی مسلمانان اهمیت ویژه‌ای قائل است. مقصود از تعامل، وحدت در شیوه‌های فقهی اجتهادی نیست و اینکه اساس اختلاف فتوا از میان فقه مذاهب اسلامی برچیده شود. ما باید بدانیم که تفاوت احکام در نبودن متون یا در وجوه فهم متون موجود، مسئله‌ای است که نباید نسبت به وجود آن نگران یا از پیامدهای آن ترس داشته باشیم، بلکه ما به عنوان مسلمان حق داریم از آزادی عقلی مطلق و پختگی اندیشه برخوردار باشیم تا پیوسته از عوامل نوگرایی و تحول و همراهی احکام فقهی و شرعی با مسائل نو زندگی و رویدادهای معاصر، برخوردار شویم. گام نخست برای تحقق ایده «تقریب فقهی» آن است که فقها از حصار خودساخته پیرامون خود خارج شوند و به «تبادلات فقهی» و «تعاملات فقهی» توجه جدی کنند و از اهمیت کارکردهای فقه مقارن آگاه گردند؛ فرا رفتن از چهارچوب یک مذهب و توجه به دیدگاه مذاهب اسلامی دیگر از ارکان اساسی فقه مقارن است. این اصل مهم بانگیزه بالایی همراه است و آن این است که همه مسلمین در هر کجای دنیا که زندگی می‌کنند به خاطر مصلحت عالی‌ه اسلامی و برای این که دشمنان اسلام بر آن‌ها مسلط نگردند در صف واحد قرار گیرند تا کوشش‌های معاندان را در افشاندن بذره‌های اختلاف خنثی نمایند.

بیان مسأله

تجربه زندگی اجتماعی و راهنمایی‌های انبیاء و اولیای الهی به انسان آموخته است که تنها در محیطی امن و به‌دوراز خصومت می‌توانند آن‌گونه که شایسته است نیازهای مادی و معنوی خود را برآورده سازند. این مهم بیش و پیش از هر چیزی در آیات الهی و روایات ارزشمند اهل بیت: با دقت، ظرافت، و عمق بسیار تبلور یافته و منصوص گردیده است و نقشه راه جامعی را از روش تعامل و همزیستی افراد یک امت با امم دیگر و حتی افراد مختلف العقیده در امت واحد را ترسیم نموده، که شاهد این مدعا آموزش و ارائه شیوه تعامل شیعیان با پیروان سایر مذاهب اسلامی و حتی غیر اسلامی از سوی اولیای دین الهی است از نظر رهبران و پیروان مذاهب اسلامی نیز همزیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها با عقاید و مذاهب گوناگون، یک نوع ارزش و هدف تلقی می‌شود و در فقه مقارن نیز به این مسئله اشاره شده است. لذا قصد مقاله این است که ادله و مستندات فقهی همزیستی مسالمت‌آمیز بین دو تفکر تشیع و اهل تسنن را بررسی نمایم، لازم به ذکر است گفته‌ها و پیشنهادات مطرح‌شده درباره وحدت میان شیعه و سنی کمتر با دغدغه‌هایی فقهی درگیر می‌باشد به

نظر می‌رسد که برای کنار زدن دیدگاه‌های وحدت‌گريزانه باید وحدت را در فضایی مؤثرتر و مطرح کرد استفاده از ادله فقهی این فضا را برای ما ایجاد می‌کند که بتوانیم همزیستی مسالمت‌آمیز بین پیروان مذاهب اسلامی را با قوت بیشتر اثبات نماییم

دلیل عقلی

قاعده تقدیم اهم بر مهم (حفظ اسلام بر حفظ مذاهب)

قاعده تقدیم اهم بر مهم، درجایی است که بین دو حکم تراحم وجود دارد؛ بنابراین، در مقام رفع تراحم، در صورتی که یکی اهمیت بیشتری داشته باشد، مقدم می‌گردد. (صدر، ۱۴۳۱، ص ۲۱۵-۲۱۶) بعضی از آیات شریفه می‌تواند مؤید این دلیل باشد که عبارت‌اند از: (...يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلُ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا...) (بقره: ۲۱۹) در این آیه شریفه، ضمن تصریح به منافع خمر و میسر، اِثْمَ آن‌ها را بیشتر دانسته است و در نتیجه؛ در تقابل میان منافع و مفسدات آن‌ها، به دلیل اهمیت دفع مفسده و اعمال قاعده «الأهم فالأهم»، حکم به حرمت خمر و میسر شده است.^۲

و نیز نمونه‌ای از روایات مؤید این قاعده می‌باشد:

روایت شیعی: سفیان ثوری به امام صادق^ع عرض کرد؛ راجع به خطبه‌ی پیامبر در مسجد خیف برای ما سخن بگو. آن حضرت فرمودند: پیامبر فرمود: خداوند روسفید کند بنده‌ای را که سخن مرا بشنود و آن را حفظ نماید و به دیگری که نشنیده‌اند برساند. ای مردم! مؤمنان باهم برادرند؛ خویشان یکسان و آنان باهم بر علیه غیر خود یک قدرند. نزدیک‌ترین فرد به نیازمندان در تلاش برای برآوردن نیازهای اوست.^۳ (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۶۷)

روایت اهل سنت: عمرو بن شعیب به واسطه پدرش از جدش، او هم از پیامبر نقل کرد که آن حضرت فرمودند: مسلمانان خویشان یکسان است؛ نزدیک‌ترین فرد به نیازمندان در تلاش برای برآوردن نیازهای اوست؛ و دورترین فرد به گرفتار او را در پناه می‌گیرد؛ و تمامی مسلمانان قدرت یکپارچه‌ای بر علیه دشمنانند.^۴ (سجستانی، ۱۴۲۰، ص ۶۲۵) باین‌وجود به نظر می‌رسد که مستندات نقلی مؤید حکم عقل باشند.

تطبیق قاعده بر بحث تعامل میان مسلمانان

در تراحم میان حفظ منافع مذهبی که (مهم) است و میان حفظ اصل اسلام و نجات مسلمانان که (اهم) است، به‌طورقطع حکم عقل بر تقدیم اهم بر مهم است و نیز نظر به اینکه اولاً حفظ اصل از واجب واجبات است و ثانیاً طبق فروع دین بر اساس مذهب شیعه، تبری از غاصبین حق امیر المومنین و اعلان این تبری نیز واجب می‌باشد لکن از آنجاکه در شرایط کنونی این اظهار تبری باعث اختلافات شدید شده لذا حفظ اسلام تقدم دارد همین دلیل و قاعده برای فرقه‌های اهالی سنت نیز آنجا که حفظ اصل اسلام می‌باشد نیز عقلاً جاری است.

قاعده دفع ضرر محتمل

قاعده دفع ضرر محتمل، از قواعد عقلی است که مضمون آن حکم عقل به دفع ضرر محتمل و یا مظنون است؛ بنابراین، اگر انسان درباره چیزی احتمال ضرر بدهد، از نظر عقل، دفع آن ضرر محتمل واجب است.^۵

ملاک عقل بر چگونگی دفع ضرر محتمل (وجوب عقلی یا استحباب عقلی)

ضرر محتملی که ما با آن برخورد می‌کنیم با توجه به ویژگی‌های آن، عقل سلیم حکم به قبح و ترک آن می‌کند با توجه به اینکه درجه قبحش متفاوت است، با توجه به اینکه در ضررهای دنیوی سه گونه ضرر محتمل وجود دارد: ۱- گاه احتمال ضعیف است اما محتمل مهم (پراهمیت) است ۲- گاه برعکس، احتمال قوی و محتمل کم‌اهمیت ۳- گاه احتمال قوی و محتمل هم مهم است. پس ملاک حکم عقل به وجوب عقلی بر دفع ضرر، مهم بودن محتمل است. یعنی ضرر باید بزرگ باشد و به حکم عقل وجوب ترک و دفع آن است (وجوب).

تطبیق قاعده بر بحث تعامل میان مسلمانان

^۱ این مطلب در منابع دیگر نیز موجود می‌باشد از جمله: محمدی، ۱۳۹۵: ۳۳۲؛ مغنیه، ۱۹۷۵: ۴۳۷؛ مکارم شیرازی، انوار الاصول، ۱۳۷۶: ج ۱، ۵۸۴؛ فاضل موحدی لنگرانی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۲۰۴-۲۰۵

^۲ و همچنین آیه ۳۶ و ۸ از سوره نساء و مواردی مثل آیاتی که بیانگر نحوه ارث‌بری اقرباء است را میتوان بعنوان مؤیدات دیگر این قاعده نام برد

^۳ نَصَرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاها، وَتَلَعَهَا مَنْ لَمْ تَبْلُغْهُ، يَا أَيُّهَا النَّاسُ!... المومنون اخوة، تتكافأ دماؤهم، وَهُمْ يَدُّ عَلَيَّ مِنْ سِوَاهُمْ، يَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ ادْنَاهُمْ...؛

^۴ الْمُسْلِمُونَ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ، يَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ ادْنَاهُمْ، وَيَجِيرُ عَلَيْهِمْ اقْصَاهُمْ، وَهُمْ يَدُّ عَلَيَّ مِنْ سِوَاهُمْ.

^۵ در بحث حجیت ظنون، (جزایری، ۱۴۱۳: ج ۴، ۲۰۶)، و بحث احتیاط، (نائینی، ۱۳۶۸: ج ۲، ۱۸۶) استناد و استفاده از این قاعده بیشتر است

اختلاف میان مسلمانان تضعیف جبهه اسلام است و بیگانگان برای از بین بردن آن و نابود کردن مسلمانان طمع می‌نمایند؛ با این احتمال خطر، بنا بر قاعده عقلی (لزوم دفع ضرر محتمل) بر مسلمانان عقلاً واجب است که از هرگونه رفتار و گفتار تفرقه‌انگیز اجتناب نمایند؛ و از سوی دیگر نمی‌توان انکار نمود که در نزد تمام مسلمانان از مذاهب مختلف ضرری بالاتر از ضربه خوردن به اصل اسلام و از بین رفتن اسلام وجود ندارد، لذا عقلاً دفع این ضرر واجب است.

دلیل قرآنی

قرآن کریم برای تأمین همزیستی و رفتار مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان راه‌های مختلفی را بیان کرده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

قرآن کریم و دعوت به رفتار مسالمت‌آمیز با دیگران و توجه به اصول مشترک

(قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ) (آل عمران : ۶۴) وقتی خداوند این‌گونه برای دعوت مسلمانان با غیرمسلمان توصیه و راهنمایی و ارشاد می‌نماید و تأکید بر وحدت دارد پس به‌طریق اولی حفظ وحدت و تعامل بین مسلمین مؤکد و از ضروریات موردنظر باری تعالی می‌باشد.

قرآن کریم و آزادی عقیده و فکر

(لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) (بقره : ۲۵۶) در تفسیر این آیه عنوان شده است: در پذیرش دین، اکراهی نیست. همانا راه رشد از گمراهی روشن شده است، از مجموع آنچه درباره آیه شریفه گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که راه اثبات دین حق و مذهب حق، اکراه و اجبار و تکفیر نیست بلکه راه تفکر و مودت است تعامل بین مذاهب و رفتار و همزیستی مسالمت‌آمیز و استدلال و استنتاج‌های منطقی بهترین و تنها راه شناسایی مذهب حقه از نظر قرآن است و مسلمانان که بر ایشان تبعیت از کلام‌الله فرض است، مفترضند که با یکدیگر تعامل سازنده داشته باشند.

قرآن کریم و نفی نژادپرستی و خودبرتربینی

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ) (حجرات : ۱۳) در آیه موردبحث، مخاطب کل جامعه انسانی است و مهم‌ترین اصلی را که ضامن نظم و ثبات است بیان می‌کند و میزان واقعی ارزش‌های انسانی را در برابر ارزش‌های کاذب و دروغین مشخص می‌سازد. تساوی و برابری انسان‌ها یکی از اصول مهم رفتار همزیستی مسالمت‌آمیز به شمار می‌رود، چون نژادپرستی و تحقیر ملت‌ها و مذاهب دیگر، موجب مشکلات فراوانی برای جامعه بشری شده است؛ جنگ جهانی اول و دوم شاهد این مدعا است.

قرآن کریم و استقبال از پیشنهاد صلح

از دیدگاه قرآن، صلح خود، ارزش و هدف است، و کافی است که پیامد خطرناک به دنبال نداشته باشد، (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ص ۵۴) (فَإِنْ اعْتَصَمْتُمْ فَلَكُمْ يُفَاتِلُوكُمْ وَ أَتَقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامُ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلاً) (نساء : ۹۰) یعنی: پس اگر از شما کناره‌گیری کردند و با شما پیکار نمودند، بلکه پیشنهاد صلح دادند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوید. معنای دیگر این آیه این است «(ای مسلمانان اگر از میان منافقین) گروهی که باهم پیمانان شما وابستگی دارند به آن‌ها پناهنده شوند و یا به حضور شما بیایند درحالی‌که از جنگ و فتنه‌گری علیه شما دست برداشته و پیشنهاد صلح می‌دهند، بپذیرید (و از دستگیری و کشتن آن‌ها دست‌بردارید). اگر خداوند می‌خواست قطعاً آن‌ها را بر شما مسلط می‌خواست و با شما می‌جنگیدند (همان‌طور که رعب و ترس شما را در دل آن‌ها انداخت و آن‌ها را تسلیم شما کرد)، پس در صورت تسلیم شدن و پیشنهاد صلح از طرف آن‌ها دیگر راهی برای مبارزه و جنگ با آنان وجود ندارد. (محمودیان، ۱۳۹۳، ص ۹۲) در آیات فوق خداوند تأکید و سفارش و امر می‌نماید که اگر دشمنان به شما پیشنهاد صلح دادند بپذیرید، حال آیا چنین منطقی پیشنهاد صلح و سازش مسلمانی دیگر را که ممکن است در برخی موارد با ما اختلاف‌نظر داشته باشد را بر نمی‌تابد و آن را واجب ندانسته و بدان امر نمی‌نماید؟ قطعاً این‌گونه نیست و صلح و سازش میان مذاهب مختلف اسلام به‌طریق اولی مورد امر و تأکید مولی است.

وجوب وحدت در قرآن

آیات متعددی از قرآن کریم و به صورت‌های گوناگون رفتار مسالمت‌آمیز یا همزیستی مذهبی را سفارش می‌نماید. کینه‌توزی و پیش گرفتن روش‌های اهانت‌آمیز نسبت به پیروان مذاهب دیگر یک روش پسندیده دینی به شمار نمی‌رود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ

لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ) (آل عمران: ۱۰۳) اعتصام، یعنی کسی که ممکن است در معرض سقوط باشد، به یک جای محکمی چنگ زده و خودش را حفظ کند و از سقوط نجات دهد. حبل الله همان اصول مسلمهای است که به نام دین اسلام است؛ ریسمان الهی، همان دینی است که در دوران پیامبر و در قرآن، به صورت صریح آمده است. اگر از اصول مسلم دینی روی بتابید، قهراً متفرق و پراکنده می‌شوید. در زمینه امر «و اعتصموا» و در زمینه نهی، می‌فرماید: «و لا تفرقوا» که ظهور صیغه نهی بر وجوب ترک می‌باشد که مفهوم دو کلمه این است که اتحاد داشته و از تفرقه و خلاف دوری گزینید. «و اعتصموا الله» متعرض حکم اجتماع است؛ چنان که از کلمه جمعاً و لا تفرقوا استفاده می‌شود. پس آیات قرآن همان طور که فرد را مأمور به تمسک جستن و چنگ زدن به کتاب الهی و سنت نبوی می‌نماید، جامعه اسلامی را هم به همان امر دعوت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۴، ص ۳۶۷-۳۶۹) قرآن مجید، هنگامی که می‌خواهد اهمیت امری را بیان کند، به آثار و برکات آن هم می‌پردازد، مثلاً در مورد وحدت اجتماعی و اتحاد می‌فرماید: «و اذکروا نعمت الله علیکم إذ کنتم أعداء فألف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخوانا» همچنین در آیه شریفه (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (حجرات: ۱۰) یعنی خداوند همه مؤمنان را برادر دانسته و آنان را به اصلاح بینشان و ایجاد صلح و سازش فرمان می‌دهد. همین الفت را در آیات دیگری چنان مهم تلقی می‌کند که می‌فرماید: (لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ خَكِيمٌ) (انفال: ۶۳) همچنین برکت وحدت را توضیح می‌دهد: «و کنتم علی شفا حفرة من النار فأنقذکم منها» در اینجا دو مفهوم بسیار متضاد را کاملاً مجسم می‌کند، می‌فرماید: شما بر لبه‌ی پرتگاه بودید. پرتگاه چه چیزی؟ پرتگاه تفرقه، که خداوند، به برکت وحدت، شما را از این پرتگاه‌هایی بخشید.

حرمت تفرقه در قرآن

(و قالت اليهودی لیسَ النصراری علی شیءٍ و قالت النصراری لیسَ اليهودی علی شیءٍ و هم یتلون الکتاب کذالک قال الذین لا یعلمون مثل قولهم فالله یحکم بینهم یوم القیامة فیما كانوا فیہ یختلفون) (بقره: ۱۱۳) در تفسیر این آیه شریفه اشاره شده است: «و یهودیان گفتند: مسیحیان بر حق نیستند و مسیحیان گفتند: یهودیان بر حق نیستند، درحالی که هر دو گروه) آنان، کتاب آسمانی را می‌خوانند! همچنین افراد نادان دیگر (همچون مشرکان که خبر از کتاب ندارند)، همانند سخن آن‌ها را گفتند. پس خداوند در روز قیامت در آنچه اختلاف دارند، در بین آنان داوری خواهد نمود. این آیه ترسیم مجددی از سیمای متعصب اهل کتاب است درحالی که اگر به کتاب آسمانی خود توجه کنند، از این برخوردها دست برمی‌دارند. سپس می‌فرماید: مشرکان و بت پرستان نیز بآنکه کتاب آسمانی ندارند، همان سخن‌ها را می‌گویند. یعنی صاحبان عقاید باطل همدیگر را نفی می‌کنند، ولی همه‌ی این اختلافات در روز قیامت، با داوری خداوند متعال پایان می‌پذیرد و آن‌ها حق را مشاهده می‌کنند.

انطباق آیه به بحث تعامل بین پیروان مذاهب

تعصب بی جا و انحصارطلبی بی دلیل، ممنوع است. تحقیر و نادیده گرفتن دیگران، نشانه‌ی استبداد و خودمحوری است. اگر تعصب و خودخواهی باشد، علم هم نمی‌تواند هدایت کند. «و هم یتلون الکتاب» در فضای آمیخته به تعصب، عالم و جاهل همانند هم فکر می‌کنند. مشرکان جاهل همان حرفی را می‌زدند که تلاوت کنندگان تورات و انجیل می‌گفتند. (قرائتی، ۱۳۸۸، ص ۸۴) از این آیه شریفه این چنین نتیجه گرفته می‌شود که وقتی قرآن کریم نزاع و اختلاف بین اهل کتاب را برنمی‌تابد و آن را مردود اعلام می‌کند پس به طریق اولی اختلاف در بین مذاهب مختلف اسلام از نظر قرآن کریم مردود است و باید از این اختلافات پرهیز نمود. همچنین قرآن کریم می‌فرماید: (وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اختلفوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَیِّنَاتُ وَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (آل عمران: ۱۰۵) خداوند در این آیه صریحاً از تفرقه و اختلاف باز می‌دارد و درباره آن هشدار می‌دهد، همچنین در آیه شریفه می‌فرماید:

دلیل روایی

روایات مشتمل بر قواعد فقهی فقه مقارن

قاعده حرمت (مال، خون و آبروی) مسلمانان:

از نگاه اسلام در میان تمامی موضوعاتی که متعلق حکم شرعی‌اند، سه مورد است که از نظر خداوند بیش از همه مورد توجه قرار گرفته است. این سه مورد عبارت است از حفظ مال، جان و ناموس مردم؛ مثلاً اگر کسی شک داشته باشد که فلان چیز بر او واجب است یا نه؟ یا در حرمت چیزی مانند یک نوشیدنی یا خوردنی اگر شک نماید، اکثر فقها می‌گویند: این شخص می‌تواند نسبت به مورد مشکوک قاعده (برائت) جاری نماید ولی در سه مورد مذکور که خداوند به آن‌ها اهتمام ویژه دارد این گونه نیست؛ یعنی اگر شک داشته باشیم که آیا این مال دیگری است یا خیر، یا احتمال ریخته شدن خون یا آبروی کسی در میان باشد، به صرف شک و احتمال نمی‌توانیم شانه از تکلیف خالی نمائیم؛ یعنی جای عمل کردن به برائت یا همان آزادی در عمل نیست؛ بلکه وظیفه احتیاط است. و اما بعضی از روایات مربوط به این سه موضوع که می‌توان قاعده‌ی حرمت مال و جان و آبروی هر مسلمان را از آن به دست آورد، به قرار ذیل است:

روایات شیعی:

قال رسول الله: همانا خداوند خون و مال و سوءظن به مسلمان را حرام کرده است.^۶ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۲، ۲۰۱، ح ۲۱)
 باز آن حضرت فرمودند: خون و مال و آبروی همه مسلمانان بر یکدیگر حرام است.^۷ (متقی الهندی، ۱۴۱۹: ج ۱، ۴۰۷)

روایات اهل سنت:

ابومالک از پدرش نقل می‌کند که گفت: شنیدم پیامبر فرمود: هر کس که بگوید: لا اله الا الله و از معبودهای غیر خداوند بی‌زاری بجوید، مال و خونسش بر دیگران حرام است؛ و خداوند به حساب آن‌ها خواهد رسید.^۸ (نیشابوری، ۱۳۳۴ق، ص ۴۰) و ائمه بن اسقع و دیگران در روایاتی چند از پیامبر نقل کردند که می‌فرمود: مسلمان از هر حیث بر مسلمان دیگر حرام است، یعنی: خون و مال و آبروی او؛ مسلمان برادر مسلمان است؛ بر او ظلم نمی‌کند؛ از او عیب‌جویی نمی‌کند؛ و او را خوار نمی‌کند.^۹ (قرطبی، ۱۳۶۴، ص ۳۲۲) در مجموع روایات بالا راجع به هرگونه تعرض به مال و خون و آبروی مسلمانان از واژگانی مانند «حرام»، «حرّم» و «حرّم» استفاده شده است؛ و این نحوه بیان صراحت در حرام بودن تصرفاتی دارد که موجب تضییع مال مردم و یا به خطر افتادن جان‌شان و یا ریخته شدن آبروی آنان بشود

قاعده وجوب مودت (خیر خواهی) میان مسلمانان:

یکی دیگر از قواعد فقهی قابل‌استفاده از روایات فریقین قاعده وجوب مودت و مهربانی و نوع‌دوستی میان مسلمانان است؛ و اما روایات مورد استدلال در این قاعده عبارت‌اند از:

روایات شیعی:

از پیامبر اعظم روایت شده که فرمودند هر مسلمانی بر گردن مسلمان دیگر شش حق دارد؛... و اینکه برای او دوست بدارد آنچه را که برای خود دوست می‌دارد؛ و می‌پسندد آنچه را که برای خود نمی‌پسندد.^{۱۰} (طباطبائی بروجردی، ۱۳۴۰: ج ۱۷، ۵۰۱؛ همان ج: ۲۰، ۳۲۶) همین روایت از طریق اهل سنت به واسطه امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب از پیامبر اعظم روایت شده است. (دارمی، ۱۴۲۱، ص ۲۷۶) امام باقر^{۱۱} فرمودند: برادر مسلمان را دوست بدار و دوست بدار برای او آنچه را که برای خود دوست می‌داری؛ و می‌پسند برای او آنچه را برای خود نمی‌پسندی.^{۱۱} (عاملی، ۱۴۰۹، ص ۲۱۰)

روایت اهل سنت:

حمید بن سعده می‌گوید: شنیدم پیامبر خدا می‌فرمود هیچ یک از شما به مراتب ایمان دست پیدا نمی‌کند مگر آنکه دوست بدارد برای برادر [ایمانی] خود هر آنچه را برای خود دوست می‌دارد.^{۱۲} (نسائی، ۱۴۲۰، ۵۳۴) با توجه به این روایات، از چند جهت می‌توان وجوب مودت میان مسلمانان را استنباط نمود؛ در بعضی از آن‌ها صیغه امر «أَحِبَّ» و «أَكْرَهَ» به کار رفته است که ظهور در وجوب دارد؛ و در بعضی دیگر که صیغه خبری استفاده شده است، مانند: «يُحِبُّ» و «يُكْرَهُ»، چون که مراد انشاء و امر است نه صرف خبر دادن، بنابراین با تأکید بیشتری نسبت به صیغه امر لزوم این مودت را می‌رساند. در بعضی موارد هم از واژه‌ی «علی‌أخیه» استفاده شده است که در آن‌هم اشاره‌ای به یک حق است؛ اعم از اینکه آن حق لزومی و واجب باشد یا مستحب؛ در هر صورت این واژه هم یا به صورت اختصاصی (اگر حقوق واجب مراد باشد، چنانکه سیاق یعنی در کنار صیغه امر قرار گرفتن اقتضاء وجوب را می‌کند) یا لاقط به نحو عموم (هم واجب و هم مستحب) بر مدعای ما که اثبات حقوقی برای برادر دینی است دلالت دارد؛ که از جمله این حقوق وجوب مودت و خیرخواهی میان مسلمانان است، همان‌طور که در متن روایت به آن اشاره شده است. از توصیه‌های امیرالمؤمنین به مالک اشتر آن بود که به همه مردم خدمت کن، زیرا آنان؛ «إِنَّمَا أَخُ لَكَ فِي دِينِكَ أَوْ شَبِيهَ لَكَ فِي خَلْقِكَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) یا برادر دینی تو هستند، یا در خلقت شبیه به تو. وقتی که در اسلام نوع‌دوستی و خیرخواهی در سطح همه‌ی انسان‌ها مطلوب است، پس در سطح مسلمانان به طریق اولی باید مطلوب باشد.

روایات مشتمل بر احکام موردی

روایات دال بر حرمت تفرقه: تعابیری که پیامبر در مورد اعضای جامعه اسلامی به کار رفته می‌برد، مثل اعضای یک پیکر نسبت به یکدیگر «مثل المؤمن فی توادهم و تراحمهم کمثل الجسد اذا اشتكى بعضه تداعى سائره بالسهر والحمى» (بخاری، ۱۴۰۱، ص ۷۷) یا پیوستگی اجزای یک ساختمان «المؤمن

^۶ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنْ الْمُسْلِمِ دَمَهُ وَمَالَهُ، وَأَنْ يَظُنَّ بِهِ ظَنَّ الشُّوْءِ

^۷ كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَمَالُهُ وَعَرَضُهُ

^۸ مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَكَفَرَ بِمَا يَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ، حَرَّمَ مَالَهُ وَدَمَهُ وَحِسَابَهُ عَلَى اللَّهِ

^۹ كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ: دَمُهُ وَمَالُهُ وَعَرَضُهُ؛ الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَتَعَبَّأُ وَلَا يَتَّخِذُهُ

^{۱۰} إِنَّ لِلْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْمَعْرُوفِ سِتًّا؛ وَيَجِبُ لَهُ مَا يَجِبُ لِنَفْسِهِ، وَيُكْرَهُ لَهُ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ

^{۱۱} أَحِبَّ أَخَاكَ الْمُسْلِمَ وَ أَحِبَّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ

^{۱۲} لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ

للمؤمن کالبنيان، يشد بعضه بعضاً» (ابن حنبل، ۱۴۰۰، ص ۴۰۴)، تأکید و اصرار ایشان را به همدلی جامعه اسلامی نشان می‌دهد. همچنین ایشان در حدیثی، باهم بودن را رحمت و پراکندگی و تفرقه را عذاب معرفی کرده است. از جمله روایات فریقین که در این زمینه وجود دارد:

تفرقه گناه کبیره است:

در پاره‌ای از روایات فریقین تفرقه را در شمار گناهان کبیره به حساب آورده است؛ و بدون شک گناه کبیره مصداق روشن حرام است.

روایت شیعی:

پیامبر ای مردم! شما را به آنچه خداوند در کتابش مرا به آن توصیه نموده است سفارش می‌نمایم: به اطاعت از او اقدام کنید و از آنچه حرام کرده است دوری نمایید... همانا اختلاف و بازماندن در کار نشانه ناتوانی و ضعیف بودن عامل آن است؛ و از اموری است که خداوند دوست نمی‌دارد.^{۱۳} (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۱۲۶)

روایت اهل سنت:

از امیرالمؤمنین نقل شده است که فرمودند: گناهان کبیره عبارت‌اند از: شرک به خداوند، کشتن دیگری، خوردن مال یتیم، تهمت به زن شوهردار، فرار از جبهه، بازگشتن به حالت جهالت بعد از ایمان آوردن، سحر، عاق والدین، رباخواری، از جماعت مسلمانان جدا شدن و پیمان شکنی.^{۱۴} (متقی، ۱۴۱۹، ص ۲۰۶)

تفرقه افکن مهدور الدم است:

در روایات فریقین عوامل تفرقه افکن تهدید به مرگ و نابودی شده‌اند:

روایت شیعی:

امیرالمؤمنین فرمودند: با جمعیت انبوه همراه شوید که همانا دست خداوند با جماعت است؛ و از پراکندگی بر حذر باشید که همانا جدا افتاده‌های از جمعیت بهره شیطان هستند، چنانکه گوسفند دور از گله خوراک گرسنگ است. آگاه باشید هرکسی که به تفرقه دعوت کند را بکشید هرچند که آن دعوت کننده در زیر عمامه من پنهان شده باشد.^{۱۵} (نهج البلاغه: خطبه ۱۲۷)

روایات اهل سنت:

از پیامبر اعظم نقل شده است: قسم به خدایی که غیر او خدایی نیست، خون هیچ مسلمانی که شهادت به توحید خداوند و رسالت من دهد، هدر نیست؛ مگر سه نفر: کسی که اسلام را ترک کرده و از جماعت مسلمانان جدا شده باشد؛ یا کسی که بعد از ازدواج زنا کند.^{۱۶} (حنبل، ۱۴۰۰، ق، ص ۱۸۱) در سخن دیگری آن حضرت فرمودند: همانا حوادث و فتنه‌هایی رخ خواهد داد؛ پس هر کس که بخواهد کار این امت را در حالی که مجتمع هستند به تفرقه بکشد با شمشیر او را بکشید.^{۱۷} (حنبل، ۱۴۰۰، ج ۴ ص ۲۶۱)

سیره

سیره پیامبر

شهید مطهری می‌نویسد: سیره پیامبر به‌ویژه در مدینه و با تشکیل حکومت نشان‌دهنده آن است که حتی در صورت غلبه بر دشمن و پیروی اکثریت جامعه از ایشان، بازهم حقوق اقلیت غیرمسلمان را به رسمیت شناخته و به پیروان خویش با تأکید و جدیت رعایت حقوق اقلیت را توصیه می‌کردند «نخستین شعار رسول اکرم هنگام ورود به مدینه و پیش از ساختن مسجد و پرداختن به امور عمرانی، درباره اخوت و برادری بود». (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۸۰) «فتار پیامبر اسلام با مخالفان، نخست بدانان نمی‌گفت که در گمراهی به سر می‌برند، لکه می‌فرمود: بیایید با یکدیگر به گفتگو بنشینیم

^{۱۳} أَيُّهَا النَّاسُ، أَوْصِيكُمْ بِمَا أَوْصَانِي بِهِ اللَّهُ فِي كِتَابِي: مِنَ الْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ، وَالْتِنَاهِي عَنِ مَحَارِمِهِ؛ ... إِنَّ الْاِخْتِلَافَ وَالْتِنَازُعَ وَالْتَنَابُطَ مِنْ أَمْرِ الْعِزِّ وَالضَّعْفِ، وَهُوَ مِمَّا لَا يَجِبُهُ اللَّهُ الْكِبَارُ: الشَّرْكَ بِاللَّهِ، وَقَتْلُ النَّفْسِ، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ، وَقَذْفُ الْمُحْصِنَةِ، وَالْفِرَاقُ مِنَ الرَّحْفِ، وَالْتَعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ، وَالسَّحْرُ، وَعَقُوقُ الْوَالِدَيْنِ، وَأَكْلُ الرِّبَا، وَفِرَاقُ الْجَمَاعَةِ، وَنَكَتُ الصَّفَقَةِ ^{۱۵} اَلزُّمُوا السُّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ السَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ السَّادَّ مِنَ الْعَنَمِ لِلذَّبِّ أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشُّعَارِ فَاقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ

^{۱۶} وَالَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ لَا يَجِلُّ دَمُ رَجُلٍ مُسْلِمٍ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّي رَسُولُ اللَّهِ، إِلَّا ثَلَاثَةً نَفَرٍ: التَّارُكَ لِلْإِسْلَامِ، الْمَفَارِقُ لِلْجَمَاعَةِ وَ النَّبِيُّ الرَّأْيِي ^{۱۷} أَنَّهُ سَتَكُونُ هُنَاتَ وَهَنَاتَ، فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَفْرُقَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهِيَ جَمِيعٌ فَاضْرِبُوهُ بِالسَّيْفِ». حدیث مذکور در منابع روایی دیگر نیز موجود است از جمله: صحیح مسلم: ج ۶ ص ۲۲؛ سنن ابی داود: ج ۲ ص ۴۲۷؛ سنن نسائی: ج ۷ ص ۹۲؛ مستدرک حاکم: ج ۲ ص ۱۵۶؛ السنن الكبرى: ج ۸ ص ۱۶۸.

تا روشن شود که کدام یک از ما برحق است و کدام در گمراهی آشکار». (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۸) مدارا، از اموری است که در سیره اجتماعی پیامبر اسلام چه در بُعد داخلی و چه در بعد بین‌المللی، اهمیت بسیاری داشته است، رسول اکرم به‌طور رسمی پس از هجرت، در قرارداد و عهدهی بین مهاجرین و انصار وحدت امت اسلام را اعلان فرمود: «انهم امهٌ واحدهٌ من دون الناس؛ (ابن هشام، ۱۳۷۵، ص ۷۸)

سیره اهل بیت:

علی ۷، پس از وجود پیامبر رحمت خود، معیار اساسی وحدت امت است، پس از رحلت پیامبر، امام علی ۷ هرچند که خلافت را حق خود می‌دید ولی برای حفظ اسلام و پایه و اساس آن، از حق خود گذشت. آن حضرت می‌فرماید: «ایاکم و التفرق فاذا نزلتم فانزلوا جميعا و اذا رحلتم فارحلوا جميعا» (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۱۱۴)

حضرت که علی ۷ در شدت گرفتن اختلاف برسر جانشینی پیامبر فرمود: آگاه باشید که همانا بلاى (اختلاف شما) مانند روزی که خداوند پیامبرش را مبعوث کرد، برگشته است.^{۱۸} (صبحی صالح، ۱۴۱۴، ص ۷۵) از حضرت علی در مورد عثمان بن عفان روایت شده است: ای مردم تقوای خدا را پیشه کنید و مبادا در عثمان غلو کنید و بگویید او مصحفها را سوزاند. به خدا قسم آن مصحفها را تنها با حضور ما اصحاب محمد سوزاند (الخلال، ۱۴۱۰، ص ۴۲۶).^{۱۹} نیز روایت شده است که علی بر کشته شدن طلحه و زبیر غمگین شد فرمود: «عزیز علی یا ابا محمد! این اراک مجذلاً فی الأودیة و تحت نجوم السماء الی الله اشکو عجری و بجرى». (المزى، ۱۴۰۰، ص ۴۲۰) پس از ایشان در زمان امام حسن در سال ۱۴ هـ ق معاهده صلح میان آن حضرت و معاویه بن ابی سفیان بسته شد و مردم با معاویه بیعت کردند. (طبری، ۱۳۶۲، ص ۹۳۲) علت اصلی و محوری این صلح، نگرانی امام حسن نسبت به کیان عالم اسلام بود. اهمیت اتحاد در کلام دیگر ائمه: نیز آشکار است. امام باقر ۷ می‌فرماید: ای گروه مؤمنان باهم الفت و عطوفت داشته باشید.^{۲۰} (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۷۸۱).

سیره اصحاب

در گذشته، عالمان اهل سنت بر پشتیبانی از نهضت‌های شیعی فتوا داده‌اند. از جمله آن‌ها مالک بن انس است، که از قیام نفس زکیه حمایت کرد و به جانب‌داری از آن فتوا داد (طبری، ۱۳۶۲، ص ۹۱). هم‌چنین، ابوالحسن اشعری می‌گوید: «گواه باشید، من هیچ‌یک از اهل قبله را به واسطه گناهی تکفیر نمی‌کنم؛ زیرا همه آن‌ها به معبود واحد توجه دارند و اسلام همه را در برمی‌گیرد. (جناتی، ۱۳۷۴، ص ۴۰۴). ابن شعبی می‌گوید: زید بن ثابت می‌خواست سوار مرکب شود. عبدالله ابن عباس به او نزدیک شد و رکاب مرکب را گرفت. زید به او گفت ای پسرعموی رسول‌الله این کار را نکن! ابن عباس جواب داد به ما دستور داده شده که این‌گونه با علمای خود رفتار کنیم. زید به او گفت دستت را به من نشان بده، آن را گرفت و بوسید و گفت پیامبر به ما دستور داده است که این‌گونه با اهل بیت پیامبر رفتار داشته باشیم (فیض القدير، ۱۳۵۶، ص ۳۸۲)

سیره امامان مذاهب اهل سنت

سیره امامان اهل سنت کاشف از این است که آنان بر اساس ادله حسن تعامل داشتند عنوان نموده: احمد بن حنبل برای شافعی و پدر و مادر او دعا می‌کرد. عبدالله فرزند او به وی گفت شافعی چگونه مردی بود؟ می‌بینم که شما خیلی برای او دعا می‌کنید. گفت ای فرزندم شافعی همچون خورشید برای دنیا و عاقبت مردم بود، تو به این ترتیب دو چیز نگاه کن آیا جانشین و جایگزین دارند؟ (الذهبی، ۱۴۱۳، ص ۴۵) در مورد آداب و اخلاق آن‌ها با یکدیگر روایت شده است که شافعی نماز صبح را در مسجد ابوحنیفه به‌جای آورد و به احترام ابوحنیفه قنوت را ترک کرد و بسم‌الله را آهسته گفت. ابوحنیفه و اصحاب او و شافعی هم‌پشت سر پیشوایان مالکی‌های اهل مدینه نماز می‌گذاشتند بآنکه آنان بسم‌الله را نه بی‌صدا و نه با صدا در نماز نمی‌خواندند. روشن می‌شود که آن‌ها به خاطر مسائل شخصی باهم اختلاف نمی‌ورزیدند، بلکه آن‌ها جویای حقیقت بودند و قصد شان حق و هدفشان دسترسی به حکم شرعی بود. و این سیره مؤید می‌باشد و به‌عنوان دلیل شرعی استفاده نمی‌گردد

نتیجه گیری

امروزه در جهان اسلام با واقعیت اختلاف بین مذاهب روبرو هستیم که موجب تضعیف مسلمان می‌گردد، آنچه که در این مقال مورد توجه قرار گرفت ادله و مستندات فقهی تعامل بین پیروان مذاهب اسلامی بود دلایل عقلی مطرح شده و بیان قاعده عقلی «تقدیم اهم بر مهم و وجوب دفع ضرر محتمل» و تاکید قرآن کریم به دعوت به رفتار مسالمت‌آمیز و توجه به اصول مشترک در بین مذاهب و دفاع از آزادی عقیده و فکر، و همچنین نفی نژادپرستی و خودبرتربینی و استقبال از پیشنهاد صلح و بیان وجوب وحدت و حرمت تفرقه و بانگاهی به سنت عملی رسول خدا و سیره ائمه اطهار: و اصحاب پیامبر و امامان مذاهب اهل سنت؛ نتیجه این شده دعوت به وحدت، تعامل و تقریب فقط یک نیاز مصلحتی و تاکتیک سیاسی و اقدام عملی برای حفظ منافع

^{۱۸} الا و ان یلتیکم قد عادت کهنیتها یوم بعث الله نبیه

^{۱۹} اتقوا الله ایها الناس و ایاکم فی الغلو فی عثمان و قولکم حراق المصاحف، فوالله ما حرقها الا علی ملأ منا اصحاب محمد ۹

^{۲۰} یا معشر المومنین تألّفوا و تعاطفوا

مادی مشترک نیست، بلکه وحدت اسلامی واجبی عینی است که ریشه در اعتقاد به توحید دارد چراکه لازمه اعتقاد به امت واحد قرآنی، عدم تفرق و تنازع می‌باشد. از مؤثرین اقدامات امامان شیعه به منظور گسترش و تعمیق فرهنگ اسلام و فقه اهل بیت، سعی تلاش بی‌وقفه برای ایجاد تعامل علمی و پیوند فقهی بین مذاهب اسلامی بوده است پس از آن بزرگان و زعمای شیعه، به ویژه در قرون نخست، مدار حوزه‌های علمی و فقهی را بر اساس همین شیوهی اهل بیت: پیش برده‌اند

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

- امامی، محمدجعفر، آشتیانی، محمدرضا (۱۳۶۶)، عقاید اسلامی (سطح ۱)، تهران، معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی
- بی‌آزار شیرازی، عبد الکریم (۱۳۸۰)، شیخ محمود شلتوت طلایه‌دار تقریب، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول
- بی‌آزار شیرازی، عبد الکریم (۱۳۸۳)، همبستگی مذاهب اسلامی (مقالات دار تقریب)، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، چاپ اول
- جناتی، محمدابراهیم (۱۴۱۵ق)، الفقه المقارن، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول
- جناتی، محمدابراهیم (۱۳۸۱)، همبستگی ادیان و مذاهب اسلامی، قم، انصاریان، چاپ اول
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیاة، قم، مرکز بین المللی نشر اسراء، چاپ اول
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، روابط بین الملل در اسلام، قم، اسراء، چاپ دوم
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵)، فلسفه حقوق بشر، قم، اسراء، چاپ اول
- جاوید موسوی، حمید (۱۳۸۶)، اتحاد اسلامی در آثار شهید آیت‌الله مطهری، تهران، صدرا، چاپ سوم
- ساعدی، محمد (۲۰۱۰م)، المعجم الوسیط فیما یخص بالوحدة و التقرب، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، چاپ اول
- شهرامی، بیژن (۱۳۷۷)، «اعتقاد به ضرورت همبستگی مذاهب اسلامی»، مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و احیای تفکر دینیتهران مؤسسه و نشر آثار امام خمینی
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۴)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دارالفکر
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴)، گزیده کتاب انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران، طوبی، چاپ ۱۵
- قرآنی، محسن، تفسیر نور، (۱۳۸۸)، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
- محمودیان، مهدی (۱۳۹۳)، آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن کریم، قم، مطاف، چاپ اول
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶)، تفسیر نمونه، ناشر دارالکتب الاسلامیه
- ابن حزم الظاهری، علی بن احمد بن سعید (۴۰۵ق)، النبذة الکافیة، تحقیق محمد عبدالعزیز، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول
- ابن هشام، أبو محمد بن عبد الملک (۱۳۷۵)، السیرة النبویة، مترجم هاشم رسولی، تهران، کتابچی، چاپ اول
- ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان، الذهبی (۴۱۳ق)، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ نهم
- ابوداود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰ق)، سنن ابی داود، گردآورنده: مصطفی محمدحسین ذهبی، قاهره، دارالحديث
- ابن همام الصنعانی، عبدالرزاق (۴۰۳ق)، مصنف، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، بیروت، المکتب الاسلامی، چاپ دوم
- القرطبی، محمد بن احمد بن ابی بکر (۱۳۷۲ق)، الجامع لاحکام القرآن، تحقیق احمد عبدالعلیم البردونی، القاهره، دار الشعب، چاپ دوم
- المظفر، محمدرضا، السقیفه (۱۳۵۰)، ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی، قم، شفق
- بخاری، محمد (۱۴۰۱)، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر
- بن قدامة المقدسی، عبدالله بن احمد (۴۰۵ق)، المغنی، بیروت، دار الفکر، اول
- جبری، عبدالناصر (۲۰۱۰م)، حوارات حیویة، بیروت، مؤسسه الفكر الإسلامی المعاصر للدراسات و البحوث، چاپ اول
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۲۸)، الصحاح، تحقیق خلیل مأمون شیخا، بیروت، دار المعرفه، چاپ دوم
- حر عاملی، محمدحسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت قم
- حنبل، احمد (۴۰۰ق)، مسند احمد، لبنان، انتشارات المکتب الإسلامی بیروت
- ذهبی، محمد بن احمد ابو عبدالله (۴۱۳ق)، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ نهم
- زعی، محمد (۲۰۱۱م)، الفتنة المذهبية اسباب و آليات المواجهه، لبنان، مرکز مطالعات وحدت اسلامی تجمع علمای مسلمین، چاپ اول
- صالح، صبحی (۴۱۴ق)، فهرس الالفاظ الغریبه المشروحه نهج البلاغه، قم، مؤسسه دارالهجره،
- صدر، محمد باقر (۱۳۹۹)، بحث حول الولاية، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، چاپ دوم
- طباطبایی کربلایی، علی بن محمد علی (۱۳۸۲)، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث
- عروسی حویزی، عبد علی (۱۴۱۵)، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم
- فیض القدیر، عبد الرووف (۱۳۵۶ق)، المناوی، مصر، المکتبة التجارية الكبرى، چاپ اول
- قمی، شیخ عباس (۱۳۵۹ق)، غایه القصوی فی ترجمه عروه الوثقی، قم، صح پیروز، چاپ اول

- کاظمی، فیصل (۲۰۱۱)، الحوزات الشیعیة المعاصرة، بیروت، دار المحجة البيضاء، چاپ اول
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۴۲۲ق)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، قم، بوستان کتاب
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷)، اصول کافی، تهران، جهان آرا
- مرتضی، جعفر (۲۰۰۴م)، مختصر مفید - أسئلة وأجوبة فی الدین والعقیدة، بیروت، مرکز اسلامی للدراسات، چاپ اول
- متقی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۹)، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت، دارالکتب العلمیه
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء
- موسوی، سید عباس (۲۰۰۹م)، الوحدة الإسلامية دور و تحدیات، لبنان، مرکز مطالعات و وحدت اسلامی تجمع علمای مسلمین، چاپ اول
- معدی خواه، عبدالمجید (۱۳۷۲)، فرهنگ آفتاب (فرهنگ تفصیلی نهج البلاغه)، تهران، نشر ذره، چاپ اول
- نصر، حسین (۱۳۸۴)، علم و تمدن در اسلام، ترجمه: احمد آرام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم
- نیشابوری، مسلم لن حجاج، صحیح مسلم (۱۳۳۴)، به تصحیح اسماعیل بن احمد طرابلسی، استانبول، دارالطباعة العامره
- همدانی، رضابن محمد هادی (۱۳۷۶)، مصباح الفقیه، قم، الموسسه الجعفریه لاحیاء التراث